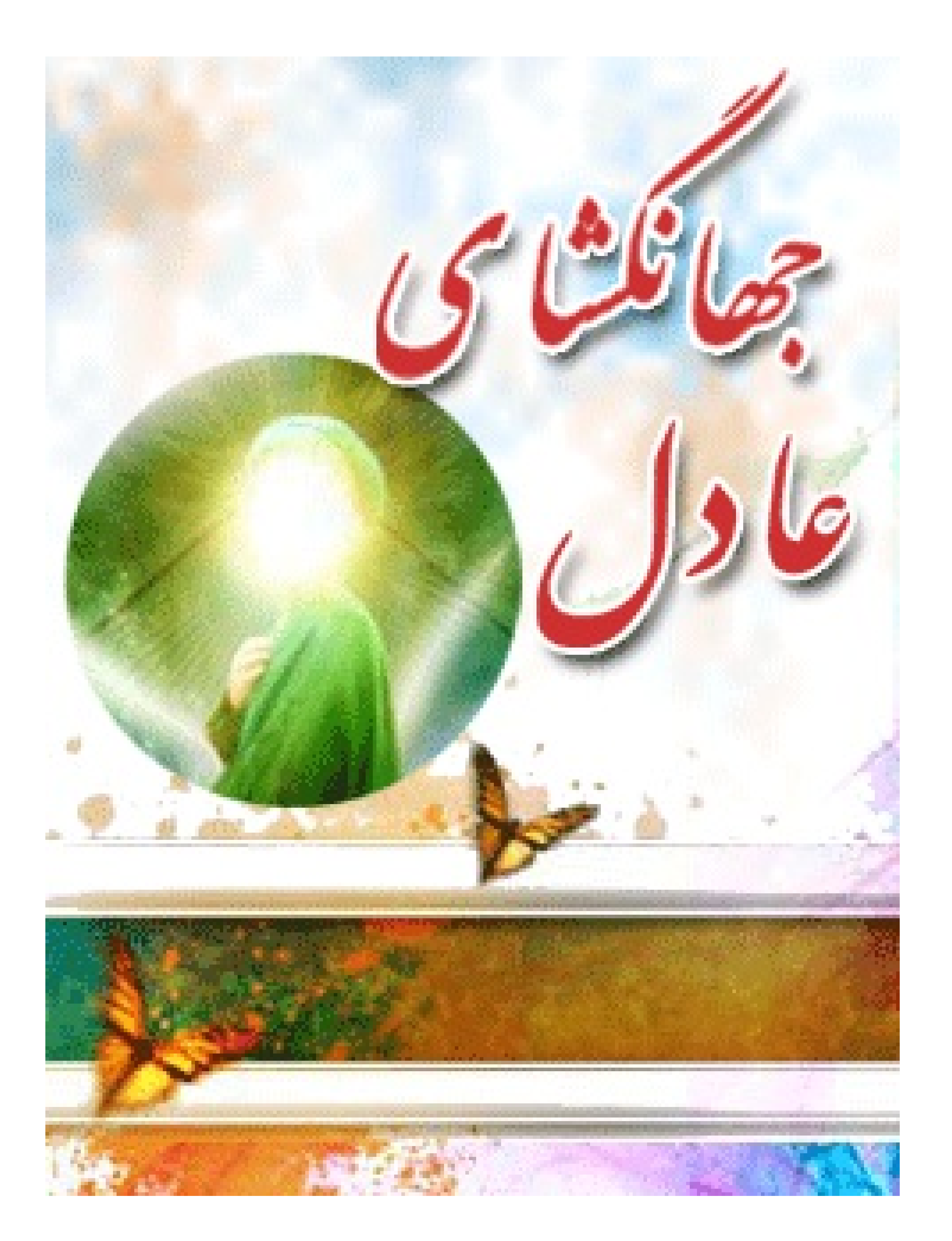


جهانگشای
عادل


بسم الله الرحمن الرحیم

جهانگشای عادل

نویسنده:

جمال الدین دین پرور

ناشر چاپی:

موسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جهانگشای عادل

مشخصات کتاب

سرشناسه : دین پرور، جمال الدین عنوان و نام پدیدآور : جهانگشای عادل [ترجمه و تالیف جمال الدین دین پرور مشخصات نشر : تهران موسسه الامام المهدی

کتابخانه بزرگ اسلامی ۱۳۵۷. مشخصات ظاهری : ص ۱۰۲ فروست : (موسسه الامام المهدی شماره ۲) شابک : ۵۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : این کتاب احادیث انتخاب شده و ترجمه شده ای از کتاب منتخب الاثر تالیف صافی گلپایگانی است موضوع : محمدبن حسن عج ، امام دوازدهم ۲۵۵ق - . رده بندی کنگره : BP۵۱ /د۹ج ۹ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹ شماره کتابشناسی ملی : م ۶۴-۱۸۱

تقدیم

به تو : ای دانش آموز و ای نوجوان !

که دلت جایگاه عشق راستین

اندیشه ات آماده پرواز به افقهای روشنی و آگاهی و بااین دوبال سیاهیها را می رانی وپیروزمندانه برقله های عزت و شرف فراز می آیی و در شمار یاران مهدی (ع) و زمینه سازان عدالت جهانیش در می آیی ، انشاء الله .

گفتاری از پیش

در سال ۱۳۴۳ برای سخنرانی عید میلاد امام قائم (ع) به کتاب گرانمایه منتخب الاثر تالیف حضرت آیت الله صافی گلپایگانی مراجه کردم . مجموعه ای یافتم از گفتار پیامبر گرامی وپیشوایان معصوم ، درباره امام غائب که از ۱۶۰ کتاب شیعه و سنی گرد آمده است .

البته ۱۶۰ کتاب اصیلی که هر یک نوبه خود مدرك ومستند

است ، و نویسندگان دانشمند و کاوشگر آنها ، در طول چند قرن با زحمات طاقت فرسا به آنها دست یازیده اند .

براین شدم که حدیث هایی از کتاب مزبور ، انتخاب وبه فارسی بر گردانم ، و دراختیار دانش آموزان و نوجوانان بگذارم ؛ تا این مساله را از منابع اصلی فراگیرند؛ و نیز از آموزش های نادرست و زیانبار بر کنار مانند .

درفرصتی بسیارکوتاه ، ۴۸ حدیث ترجمه ، چاپ و منتشر شد و با استقبال روبرو گردید ، و ناشر پس از سه ماه ، تجدید چاپ آن را خواست که به عللی فراهم نگشت .

چاپ دوم بااضافات و تغیراتی در سال ۱۳۴۸ منتشر گردید . برای چاپ سوم دگرگونی هایی - که بیشتر در راه ساده نویسی

بود – انجام گرفت ، تا دانش آموزان و نوجوانان عزیز ، مطالب را بهتر دریابند و برایشان جالب

باشد ، و نیز در گزنیش گفتار پیشوایان ، کوششی فراوان به کار رفت و هم اینک نیز چاپ یازدهم تقدیم میگردد .

آروز دارم این نوشتار ، شعله ای از مشعل فرزوان ولایت در قلبها بیفروزد و یاد امام قائم را پیوسته در خاطره ها زنده نگهدارد .

تاریخچه ی امام عصر (ع)

تاریخچه ی امام عصر (ع)

هر کسی بایستی امام زمان خویش را بشناسد وبه هدایتهای او ، ره جوید .

جوانـان ما که دلشان لبریز از عشق به مهـدی (عـج) است ، چه بهتر که دوستی و محبت خود را با شـناخت وآگاهی گره زنند وابعاد وجودی او را در سایه دانشی راستین به تماشا بنشینند .

مادر والامقام امام زمان حضرت نرجس

اینجا کاخ زیبا و افسانه ای قیصر پادشاه روم است . . .

آیینه کـاری هـا ، چشم را خیره می کنـد . در و دیـوار ، رنـگ آمیزی و تزیین شـده است و آخرین هنر معمـاری و گـچ بری و طلاکـاری در اتـاق هـای بزرگ و تالارها ، دیـده می شود . فرش های گرانبها هماننـد پر طاوس ، نرم و ظریف ، خوشـرنگ و خوش نقشه گسترده شـده است . تابلوهای زیبا در اتاق ها آویخته . گویا پنجره ای است که فضای سبز وزیبای گلسـتان رانشان می دهد .

نگـاهی دیگر به قصـر می انـدازیم : پرده هـای زربفت ، شـمعدانهای جواهرنشان ، چلچراغ ها ، شـمع های کافوری همه و همه چشم را خیره می سازند .

قصـر همیشه این چنین بوده ، ولی امشب زیبائی و هیجان بی سابقه ای در آن دیده می شود . این شور و هیجان ، از خبر تازه و مهمی حکایت می کند که همه جوانان ، در انتظار آنند !

آری امشب ، شب عروسی است . . . قیصر روم می خواهد دخترش ملیکه (۱) را به عقد پسر برادرش درآورد .

مجلس عقد تشکیل شده ؛ کشیشان و راهبان برگزیده در پیش ، و به ترتیب ، رجال و شخصیت های ممتاز و معروف

کشور ، فرمانروایان و بزرگان اصناف و دیگر مردمان حضور دارند و داماد هم ، روی تختی قیمتی و بسیار جالب نشسته است . هنگامه اجرای مراسم عقد فرا رسیده است .

پس از لحظه ای سکوت ، اسقف ها و کشیش ها(۲) در کنار چلیپا(۳)به حالت احترام ایستادند و کتاب انجیل (۴)را گشودند و در آن فضای سکوت زده با آهنگی مخصوص ، مشغول خواندن خطبه عقد شدند .

مهمانان چشم ها را به دهان اسقف ها دوخته و آن مجلس افسانه ای ، غرق در خوشی و شادی بود . ناگهان حادثه ای که هیچ کسی آن را به اندیشه خود راه نمی داد ، مجلس را بر هم زد !

صلیبها-که با احترام ویژه ای زینت بخش تالارپذیرایی بودند - درهم فروریخته ، وتخت جواهر نشان و داماد نیز ، واژگون گردید . او نقش بر زمین و بیهوش شد .

اسقفها ، از دیدن این منظره وحشتناک ، رنگ خود را باختند و به لرزه در آمدند . میهمانان نیز ، سخت پریشان و وحشت زده ، متحیر ایستاده بودند . کشیش بزرگ به قیصر گفت : ما را از برگزاری مراسم عقد معذوردار ، زیرا انجام آن ، باعث نابودی دین مسیح است .

قیصر راضی نشد که این ازدواج صورت نگیرد . دستور داد مجلس را دوباره منظم کردند و کشیش ها آماده اجرای مراسم عقد شدند . ناگهان حادثه پیشین تکرار شد .

این بار وحشت و ترس بیش از نخست چهره خود را نشان داد . اندوه و ترس بر قیصر سایه افکنده بود . ناگزیر مهمانان پراکنده شدند ، و قیصر با

خاطری پریشان ، به حرمسرا برگشت . عروس نیز با هاله ای از غم ، به کاخ خود رفت و در بستر آرمید . حادثه هولناک مجلس عقد ، اندیشه او را به بازی گرفت ، و سرانجام خستگی آن مجلس نافرجام او را از پای در آورد ، و خواب چشمانش را ربود .

ملیکه در دنیای رویا ، عیسای مسیح و شمعون را با گروهی از یاران آن پیشین ، تخت دیگری قرار دارد . لحظه ای نگذشت که حضرت محمد ، پیامبر گرامی اسلام با امیرمومنان علی و عده ای از فرزند زادگانش که همراه درود خدا بر آنان –وارد قصر شدند

عیسا ، به استقبال آنان شتافت و پس از ادای احترام ، پیامبر اسلام به او فرمود : من به خواستگاری دخترنماینده و جانشین شما شمعون آمده ام تا او را به عقد فرزند خویش درآورم . (و اشاره به امام حسن عسکری که در مجلس حاضر بود ، نمود .) عیسا نگاهی به شمعون کرد و گفت نیکبختی به تو روی آورده است . با این ازدواج فرخنده موافقت کن .

شمعون هم با شادمانی پذیرفت .

آنگاه پیامبر اسلام (ص) خطبه عقد را جاری و ملیکه را برای امام حسن عسکری (ع) عقد کرد .

ناگهان ملیکه از شادی فراوان بیدار شد . خود را در کاخ خویش تنها یافت . و در قلبش ، عشق پاک امام یازدهم – که جز در عالم رویا او را ندیده بود – موج می زد . ماجرای رویا را برای کسی نگفت ، ولی آن منظره چنان او را به خود مشغول

داشته بود که از خوردن و آشامیدن بازماند . سرانجام ضعف و ناتوانی ، وی را به بستر بیماری افکند .

قیصر بهترین و معروفترین پزشکان را خواست . و برای درمان ملیکه ، سخت کوشید . ولی کوشش او نتیجه ای نبخشید ، و همگان گفتند که او خوب شدنی نیست .

پادشاه که آخرین لحظه های زندگی دخترش را می دید به فکر افتاد خواسته های وی را – هر چه هم گران باشد –بر آورد . به ملیکه گفت :

عزیزم ! آخرین آرزوی تو چیست ؟

ملیکه گفت : پدر جان تنها تنها یک آرزو دارم تا سلامتیم دوباره به من روی آورد ، و آن آزادی اسیران مسلمانان باشد و مسیح و مریم مرا شفا دهند !

پدر جان هر چه زودتر آنان را آزاد ساز .

و چنین بود که قیصر اسیران را آزاد کرد .

ملیکه ؛ چهارده شب پس از اولین رویای شگفت انگیزش ، دوباره در خواب ، حضرت فاطمه (ع) و مریم (ع) را دید که به عیادت او آمده اند .

حضرت مریم پس از اشاره به حضرت زهرا (ع) به ملیکه گفت :

این بانوی بانوان جهان و مادر شوهر تو است .

ملیکه دامان فاطمه (ع) را گرفت و گریست و ازنیامدن امام عسکری گله کرد . حضرت فاطمه فرمود : وی نمی تواند به دیدن تو بیاید ، زیرا تو پیرو آیین حق اسلام نیستی و این مریم است که دین کنونی تو را نمی پسندد . اگر می خواهی خدا و عیسا و مریم از تو خوشنود شوند ، و در اشتیاق دیدار فرزندم امام حسن

عسکری (ع) هستی ، دین اسلام را بپذیر .

ملیکه در دنیای رویا ، آیین اسـلام را پـذیرفت و حضـرت فاطمه وی را در آغوش گرفت ، و به او فرمود : اینک منتظر فرزنـدم باش

ملیکه از خواب بیدار می شود و بهبودی را باز می یابد . از شادمانی ،

در پوست خود نمی گنجد ، و به امید فرا رسیدن شب ، و دیدار آسمانی و پاک امام یازدهم در رویا ، دقیقه شماری می کند .

شب هنگام فرا رسید ، تاریکی دنیا را گرفت ، ملیکه به دنیای روشنی گام نهاد و امام یازدهم را در رویا ملاقات کرد ، (۵)

امام عسـکری پس از مهربانی ها و دلجویی ها ، به ملیکه فرمود : در فلان روز سـپاه اسـلام به کشور شـما خواهنـد آمد ، تو نیز خود را با اسیران به شهر بغداد برسان که به ما خواهی رسید .

درست در همان تاریخ که امام به او خبر داده بود . سپاه مسلمان به روم آمدند ، پس از پیکار و درگیری با رومیان با اسرانی از روم رهسپار بغداد شدند . ملیکه نیز خود را در لباس خدمتکاران در آورد و همراه اسیران به بغداد رفت .

کشتی حامل اسـیران به ساحل نشـست موجی همهمه و اضطراب بر انگیخت ، اسیران به سرزمینی که ندیده بودند رسیدند نمی دانسـتند به سوی چه سـر نوشتی می رونـد ، ولی همین قـدر جسـته و گریخته شـنیده بودنـد مسـلمان غیر از دیگر جنگجویان و پیکارگرانند . قیافه ها گر چه ناراحت و خسته بود ، ولی در ته چشمشان فروغ امید و شادی برق می

زد و چون مهمانی که از راهی دور آمده باشد . منظره کشور جدید را تماشا می کردند .

ملیکه ؛ شاهزاده خانمی که تا چند روز پیش مسیحی بوده و اکنون مسلمان شده است ، در کناری ایستاده و گذشته و آینده خود را می نگرد : به هم خوردن ناگهانی و شگفت انگیز آن مجلس عقد ، رویاهای طلایی که در واقع خواب و خیال نبود؛ بلکه حساسی بود که از عمق جانش بر می خواست ، و حقیقتی بود که همه وجودش بدان گواهی می داد . او تشنه بود؛ تشنه حقیقت و حق را می جست حقی که به خاطر رسیدن به آن ، از همه چیز دست کشید تا سرانجام به همه چیز رسید . اگر در روم سلطنت می کرد ، درسامراه به مجد و بزرگواری اصیل و راستین دست یافت .

اکنون ملیکه را در کنار دجله ، رها ساخته تا سر گرم افکارش باشد و با سامره می رویم .

سامره

سامره شهری است در ۱۰۰ کیلومتری بغداد .

در این شهر امام دهم حضرت هادی ع زیست می کند . در همسایگی آن حضرت ، خانه بشر بن سلیمان مردی از دوستداران آل پیامبر است . امام دهم او را می طلبد و نامه ای به خط خارجی می نویسد و با ۲۲۰ اشرفی به او می دهد و می فرماید : به بغداد برو ، و نامه را به فلان کنیز بده .

ملیکه ، نامه را گشود . اول و آخرش را نخوانده ، دو سه بار مرور کرد و به هق هق افلاد . آنگاه عمر بن یزید

برده فروش ، گفت : مرا در اختیار صاحب این نامه بگذار و او نیز پذیرفت .

بشر درباره پولی که باید به عمرو بدهد گفتگو کرد و سرانجام به ۲۲۰ اشرفی راضی شد .

بشر ، ملیکه به سامره حضور امام هادی - که سلام خدا بر او - برد امام به ملیکه فرمود : می خواهم ترا گرامی دارم ، آیا ده هزار اشرفی را می پذیری یا بزرگی و سعادت جاودانی را ؟

ملیکه گفت : زلال دیدار شما و مهمانی بهار شما آرزوی من است .

امام فرمود : ترا بشارت می دهم به فرزندی شرق و غرب جهان به زیر پرچم عدالتش خواهند رفت و زمین را از عدل و داد پر خواهد پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد .

- ملیکه : این فرزند از چه کسی به وجود خواهد آمد ؟

- امام : پیامبر اسلام ترا برای چه کسی خواستگاری کرد ، و حضرت مسیح ترا به عقد که در آورد ؟

- ملیکه : به عقد فرزند شما امام حسن عسکری

- امام : او را می شناسی

- ملیکه : از آن شب که به دست بهترین زنان - فاطمه زهرا مسلمان شدم ، هر شب به دیدنم می آید .

امام به خواهرش حکیمه فرمود : ای دختر رسول خدا ! او را به خانه ات ببر دستورات اسلام را به او بیاموز که همسر حسن - امام یازدهم - و مادر صاحب الامر است .

ملیکه ، یک سال در خانه حکیمه به فرا گرفتن برنامه ها و دستورات اسلام پرداخت و آنگاه ، مراسم عروسی برگزار شد . ملیکه

به خانه امام یازدهم آمد و نرجس نامیده شد .

امام یازدهم پس پدر ، پناهگاه درد مردم و رهبر شیعیان بود .

مشکلاتشان را حل می کرد و راههای سعادت را به آنها می نمود و به آیین انسانی - اسلامی تربیتشان میکرد .

آن روز ، حکیمه به خانه حضرت عسکری (ع)آمد و تا هنگامه غروب ، آنجا بود و آنگاه که می خواست برگردد ، امام به او فرمود : امشب نزد ما بمان . خدابه ما فرزندی خواهد داد ، که زمین را به دانش و ایمان و رهبری زنده کند پس از آنکه به درگیری کفر وگمراهی مرده باشد .

و حکیمه پرسید : این کودک از که خواهد بود ؟

و امام جواب فرمود : از نرجس . حکیمه به نرجس نگاه انداخت و نشانه ای از بارداری در او نیافت و سخت به شگفت آمد پس آنگاه امام فرمود : او بسان مادر موسی است که هیچ کس نمی دانست باردار است ، زیرا فرعون شکم زن های آبستن را می درید .

حکیمه شب را در خانه برادر زاده به سر برد و پهلوی نرجس خوابید؛ ولی از زادن خبری نبود ، حیرت وتعجب او زیاد شد . در آن شب بیش از شب های دیگر ، به نماز و نیایش پرداخت . نزدیکیهای سحر ، نرجس از خواب می جهد نیایش کوتاه می گذارد ، ولی باز نشانه ای از زاییدن در او نیست . حکیمه پیش خود می گوید : پس فرزندچه شد ؟

امام از اطاقش بانگ می زند : حکیمه ! نزدیک است در این هنگام نرجس را اضطرابی

دست می دهـد ، حکیمهـاو را در آغوش می گیرد ، نام خـدا را بر زبان جاری و سوره اناانزلناه را می خوانـد . حکیمه احساس کرد همراه صدای او ، دیگری هم سوره انا انزلناه را می خواند ، دقت کرد ، صدای کودک را از شکم نرجس شنید .

نرجس از دیـدگاه حکیمه پنهـان می شود ، گویـا پرده ای میـان آنهـا افتـاده است . حکیمه به سوی امـام می رود ، تا وی را از جریـان آگـاه سـازد . امـام بع او می فرمایـد : عمه بـاز گرد ، او را خواهی دیـد . و او بر می گردد ، پرده کنار رفته و نرجس را نوری تند فرا گرفته بود که دیده حکیمه را خیره می ساخت .

نوزاد – صـاحب الامـر – را دیـد که به خاک افتاده و به یکتایی خـدا و رسالت جـدش ، پیامبر و امامت و ولایت پـدرش ، امیر مومنان و دیگر امامان – که درود خـدا بر آنان – گواهی می دهد و از خدا گشایش کار و پیروز انسان ها را – زیر پرچم حق و عدالت – می خواهد .

و این خجسته تولد به صبح پانزدهم از ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری بود .

این لحظه ها و این منظره ها از دیدگاه حکیمه دور نمی شد .

اکنون چهل روز از ولادت نوزاد می گـذرد که حکیمه ، به خانه امام عسـکری (ع) آمـده است . طفلی دو ساله را دیـد که در صحن خانه راه میرود ،

پرسید : این کودک کیست ؟ امام بدو فرمود : فرزندان پیامبر اگر امام باشند زود رشد

و نمو می کنند ، یعنی در یک ماه به اندازه یک سال دیگران .

روزها سپری می شد و این پسر که آخرین حلقه از سلسله آل پیامبر (ص)بود ، همچنان به رشد خود ادامه می داد .

چند روز به رحلت امام عسکری مانده بود که حکیمه به خانه برادرزاده می رود ؟ و نوجوانی کامل را می بیند و نمی شناسد . به امام گفت : این کیست که می فرمایی نزد او بنشینم ؟ فرمود : فرزند نرجس و جانشین من است . در این زودی ها از بین شما خواهم رفت ، باید سخن او را بپذیری و از او پیروی کنی .

امام یازدهم چند روز پیش از در گذشتن ، نامه ای به دوستانش در شهر مداین نوشت و به پیشکارش ابوالادیان داد و فرمود : بعد از پانزده روز دیگر که به سامراه برگشتی ، مرا نخواهی یافت .

ابوالادیان پرسید : آنگاه امام من کیست ؟

امام : آنکس که جواب نامه ام را از تو بخواهد و بر من نماز بگذارد و از درون همیان (کیسه پول)خبر دهد .

ابو الادیان به مداین و کارهای او درست به طول انجامید و آنگاه که به سامراه رسید ، شهر را سیاه پوش دید .

به خانه امام یازدهم آمد جعفر کذاب برادر آن حضرت را دید که مجلس دار و صاحب عزا است و مردم او را در مرگ برادر ، تسلیت و به امامت تبریک می گویند .

ابو الادیان ، جعفر را می شناخت که مردی گناه پیشه و بی بندوبارست و شایستگی این مقام را ندارد . در

اندیشه فرو رفت .

پس از لحظه ای به جعفر گفتند بیا بر جسد امام نماز بگذار او برخاست و گروهی به دنبال آن راه افتادند تا به صحن خانه رسیدند همین که خواست جلو بایستد و نماز بخواند ، نوجوانی گندم گون و زیبا روی پیش آمد و او را کنار زد و گفت : عمو من سزاوارم که بر بدن پدر نماز بگزارم .

جعفر مانند کودکی که در برابر قهرمانی قرار گرفته باشد ، بدون اینکه واکنشی از خود نشانی دهد کنار رفت . امام دوازدهم بر جسد پدر نماز گزارد و به خاکش سپرد . آنگاه رو به ابوالادیان کرد و فرمود : جواب نامه پدرم را بده . او که منتظر چنین فرمانی بود ، بی درنگ آن را تسلیم کرد و به انتظار نشانه دیگر که امام عسکری داده بود نشست .

رویداد مهمی - که در شهر صدا کرد - دومین نشانه را نیز روشن ساخت . گرهی از مردم قم ، به سامره آمده بودن و از جانشین امام یازدهم خبر می گرفتند . جعفر کذاب را معرفی کرد . آنها بر او وارد شدند و پس از تسلیت مرگ حضرت عسکری و تبریک امامت ، به او گفتند : ما برای پیشوایمان پول هایی - سهم امام - می آوریم و پیش از آنکه گزارشی بدهیم ،

آن امام پاک ، از پول ها و صاحبان آن و جزئیات رویدادها خبر می داد .

جعفر گفت : دروغ می گوید ، این علم غیب است اصرار کرد که پول ها را به آن تسلیم کنند .

آنها گفتند : ما ماموریم پول

هـا را به دست امام برسانیم ، اگر تو ماننـد امام عسـکری (ع)نشانه هایی که گفتیم می دهی ، پول ها را تقـدیم خواهیم کرد و گرنه به صاحبانش بر می گردانیم .

پول ها را برداشـتند و از شـهر بیرون رفتنـد . پسـری زیبا روی را دیدنـد که به سویشان می آید و ایشان را به نام و نام پدر صدا می زدند و آنان را برای شرفیابی حضور امام دعوت می کند .

آنها گفتند : تویی مولا و امام ما ؟

گفت : هرگز ، من بنده امام شما هستم با او به خانه امام عسکری رفتند .

دیدند فرزند امام یازدهم ، حضـرت قائم (ع)بر تختی نشسـته و شکوه و زیبایی ویژه ای ، او را فرا گرفته است . امام از جزئیات پول ها و صاحبان آنها و رویدادها آن چنان پرده برداشت ، که آنان از صمیم جان امامت و راهبری وی را پذیرا شدند . مسایل خود را پرسیدند و پول ها را دادند و با دلی شاد برگشتند .

جعفر کذاب نزد معتمد ، خلیفه وقت رفت ، و داسـتان پول هایی که آورده بودند شـرح داد . معتمد ، ماموران خود را فرستاد ، صیقل کنیز حضرت عسکری را گرفتند و از او خواستند که فرزند آن حضرت را نشان دهد و او هم اظهار بی اطلاعی کرد .

خلفای بنی عباس ، پیوسته در صدد بودند که امام زمان (ع)را پیدا کنند و به قتل برسانند . از این رو آن از دیده ها پنهان شد ، ولی در حدود ۷۴ سال ، چهار نفر از بزرگان و

دانشمندان شیعه ، نماینده امام زمان بودند و مردم ، گرفتاری و خواسته های خود را به وسیله آنان از امام می پرسیدند .

این چهار نفر به ترتیب عهده دار نیابت مخصوص بودند :

۱ – عثمان بن سعید .

۲ – محمد بن عثمان بن سعید .

۳ – حسین بن روح .

۴ – علی بن محمد سمری .

هنگامی که چهارمین نماینده مخصوص امام می خواست از دنیابرود . این دستخط را که از طرف امام قائم (ع)صادر شده بود نشان داد : علی بن سمری ! خدا پاداش برادرانت رادر مرگت زیاد گرداند ، تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت . آماده سفر آخرت باش و کسی را جانشین خود قرار مده زیرا دوران غیبت کبری – پنهانی بزرگ – فرا رسیده است . و این حادثه به سال ۳۲۹ هجری بود .

امام زمان (ع)در یکی از نبشته هایش ، پناهگاه مردم را در روزگاران غیبت ، این چنین معرفی می کند :

وارثان علم دین ، و دانش های آل پیامبر که دیو هوس را کشته و فرمانبردار خدا و دارای روحی پاک و ملکوتی باشند ، مرجع پناهگاه مردمند .

تحقیق تاریخی

در تاریخچه حضرت نرجس – مادر والامقام امام زمان (ع)نگاشتیم :

آن بانو در یکی از پیکارهای مسلمانان با رومیان به شکل اسیران به بغداد آمده ، و به خانه امام دهم (ع)راه یافت .

این موضوع را دانشمند و محقق بزرگوار شیعه ، مرحوم شیخ صدوق در کتاب معتبر خود کمال الدین نگاشته است ، و ما را از هر گونه تحقیق تاریخی در این زمینه ، بی نیاز

می سازد ، ولی چه بهتر که به کتابهای تاریخی نیز مراجعه کنیم و ببینیم آیا تاریخ ، آن جنگ را به خاطر دارد و یادداشت کرده است ؟

تاریخ ، از سال ۲۴۰ تا ۲۵۳ هجری ، پیکارهایی را میان مسلمانان با روم شرقی - بیزانس - یاد کرده است که در آنها ، گروهی از رومیان حتی برخی از شاهزادگان اسیر شدند .

جنگی (۶)که در سال ۲۵۳ هجری اتفاق افتاد - به ویژه با این شاهد ، که برخی از شاهزادگان رومی اسیر شدند - به روشنی با داستان حضرت نرجس ، درست می آید ، بدین ترتیب : دو سال پیش از ولادت امام زمان (ع)نرجس به خانه امام دهم (ع)آمد و یکسال رابه فرا گرفتن دستورات اسلامی گذراند و سال دیگر با حضرت عسکری ازدواج کرد . و به نوشته مرحوم کلینی بزرگ دانشمند اسلامی ، تولد امام دوازدهم (ع)به سال ۲۵۵ هجری بوده است که میان شیعه شهرت بسزائی دارد .

بیست گفتار از پیشوایان اسلام درباره امام زمان (ع)

بیست گفتار از پیشوایان اسلام درباره امام زمان (ع)

در این فصل ، متن روایتها و حدیثهای کوتاه را آورده ایم تا برای آنانکه می خواهند کلمات پیشوایان اسلام در قلب و فکرشان بدرخشد و حفظ نماید ، آسان باشد . و نیز به ترجمه ساده و گاه توضیحی بسنده کرده ایم .

ظهور دولت مهدی (ع)حتمی است

پیامبراسلام (ص)

لو لم یبق من الدنیا یوم لبعث الله رجلا من اهل بیتی یملاءها عدلا کما ملئت جورا .

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند ، خدا در همان روز از خاندان مرا برانگیزد که پهنه زمین را به عدل و داد به گستراند ، همانگونه که از بیداد و ستم ، پر شده باشد .

ظاهر شدن امام قائم (ع)در آخر زمان و تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدل و ایمانی ، به اندازه ای قطعی و حتمی است که اگر مثلا از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد ، باید این پیشگویی تحقق پذیرد ، و حداقل بشر ، یکی روز ، شیرینی دادگری و امنیت و آسایش عمومی را بچشد و پرچم یکتا پرستی و انسانیت بر دنیا سایه اندازد ، و بانگ توحید طنین افکند و هدف اصلی پیامبران که گسترش عدالت در میان توده ها است ، در آن روز انجام یابد .

از این رو بنیان گذار عدالت عالم گیر ، و به وجود آورنده حکومت واحد جهانی ، فرزند پاک پیامبر اسلام است - که درود خدا برآنان - به پشتیبانی خدا ، قیام خواهد کرد ، و همه ضد مردمی ها را ریشه کن خواهد ساخت .

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

امام صادق (ع) :

فی القائم سنه من موسی عمران ، فقلت : و ما سنه موسی بن عمران ؟

قال خفاء مولده و غیبته من قومه .

امام صادق (ع) : در امام قائم (ع)نشانه ای از موسای پیامبر است . راوی گوید : عرض کردم نشانه موسی چیست ؟ حضرت فرمود : ولادت پنهانی

او و ناپدید شدنش از بنی اسرائیل .

امام سجاد (ع) :

فی القائم سنه من نوح و هو طول العمر :

در امام قائم نشانه ای از حضرت نوح می باشد ، و آن طول عمر است .

برنامه حکومت امام زمان (ع)

امام صادق (ع) :

سئل ابوعبدالله (ع) عن سیره المهدی (ع)کیف سیرته ؟ فقال : یصنع کما صنع رسول الله (ص) یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیه ، و یستانف الاسلام جدیدا :

از امام جعفر صادق (ع)پرسیدند ، روش و برنامه امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) چیست ؟ آن حضرت فرمود : همانگونه که رسول خدا با خرافات و ناراستی های زمان جاهلیت مبارزه کرد و آنها را ویران ساخت ، امام زمان هم پیرایه ها و تحریفهایی که به دست ستمگران به اسلام بسته شده و جان آن را گرفته ، ریشه کن نموده و اسلام راستین را از نو خواهد ساخت .

امامان و رهبران دینی همواره محور حرکتهای تربیتی و هدایت را بر اساس ایجاد جامعه سالم و نگهداری و حفظ آن از انحراف و سقوط قرار می دادند زیر جامعه سالم و اسلامی است که در آن هدایت و تربیت عمومی شکل می گیرد . بنابراین همانطور که در تهذیب و خود سازی افراد باید سرمایه گذاری شود درباره سالم سازی جامعه و بوجود آوردن مینه های رشد و هدایت عمومی هم باید تلاش کرد .

لذا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با مظاهر جاهلیت سخت درگیر می شود تا آنها را از بین ببرد و بجای آن مظاهر عدالت و تقوی را جایگزین

سازد .

پیشوای انسانها

امام صادق (ع)

ما لباسه الاالغلیظ ، و ما طعامه الاالجشب :

امام ششم ، درباره امام زمان (ع) چنین فرمود : لباس و غذای آن حضرت ، لباس و غذای نازپروردگان نیست .

همانگونه که پیغمبر عزیز و دیگر پیشوایان راستین اسلام - که درود خدا بر آنان - در راه از بین بردن اختلافات طبقاتی و ساخلن یك نظان اصیل انسانی - اسلامی پیکار ، و به زندگی ساده و بی تشریفات بسنده می کردند ، امام قائم نیز به پیروی ازنیکان بزرگوارش بدان روش روش خواهد زیست ، و در هنگامه ظهور ، که حکومت جهانی و قدرتها ثروتها را به دست خواهد گرفت ، نه تنها از این قدرت و ثروت سوء استفاده نمی کند و در راه ساختن زندگی اشرافی ، حقوق دیگران را پایمال نمی نماید ، بلکه به کمترین مقدار اکتفا کرده ، و به سادگی زندگی خواهد کرد . از این رو پیروان آن حضرت نباید در زندگی ، اسیر لباس و تشریفات و تجملات باشند ، و پول واندیشه و وقت گرانبهای خود را ، صرف خواسته های حیوانی و مدپرستی نمایند . بلکه به جای ولخرجی ها و بی بندوباری ها ، برای رشد و سعادت خویش و دیگر انسانها بکوشند .

البته نظافت و پاکی تن و لباس در اسلام ، اهمیت ویژه ای دارد که نباید از نظر دور داشت ، و کاملا با ساده بودن زندگی ، سازگار است .

بلوغ فکری در پر تو ظهور مهدی (ع)

امام باقر علیه السلام :

اذا قام قائمنا (ع) وضع یده علی رووس العباد فجمع بها عقو لهم و کملت احلامهم .

آنگاه که قائم

ما ظهور کنـد ، دست پر برکتش را بر سـر مردم می نهـد ، پس اندیشه های آنان شـکوفا شده و بشـریت به بلوغ فکری و کمال منطقی خواهد رسید .

اصلاح جامعه و فرد منوط به اصلاح فرهنگ و اندیشه آنان است تا اندیشه و فرهنگ مردم به اوج کمال و رشد نرسد تلاشهای مربیان و راهنمایان اگر بی اثر نباشد بسیار کم اثر است .

و چون در دوران ظهورامام عصـر (ع) بایـد انسان و جامعه اسـلامی به کمال مطلوب برسد و جامعه ایده آل انسانی تحقیق یابد لازم است فکرها رشد یابد و به بلوغ برسد .

دست حیاط بخش ولی خدا اندیشه ها را چنین حیات و کمالی خواهد بخشید .

البته ممکن است این دست کنایه از گسترش فرهنگ و انـدیشه اسـلامی و پـذیرش مردم نسـبت به آن باشد که ثمره این تلاش متقابل رشد جامعه انسانی خواهد بود .

اسلام پیروز

امام باقر (ع) :

ان الاسلام قد یظهره الله علی جمیع الادیان عند قیام القائم (ع) :

آنگاه که قائم آل محمد (ع)ظهور کند ، خدا اسلام بر تمام دین ها پیروز گرداند .

پیروزی کامـل اسـلام ، در سـر تـا سـر جهـان و حکومت قرآن ، هنگـامه ظهور امـام زمـان خواهـد بود . ولی این نویـد ، نبـاید مسـلمانان را از وظیفه مهم خویش ؛ امر به معروف و نهی از منکر ، باز دارد و بگوینـد چون امام قائم (ع)قیام میکند ، و اسـلام پپیروز می شود دیگر برای مـا وظیفه ای بـاقی نمانـده است و حضـرتش نابسامانی ها را خود سامان می دهـد . این گفته ، نشان روح

سست و راحت طلب مردمی است که می خواهنـد بـدین وسـیله ، وجدان مذهبی خویش را فریب دهند و از زیر بار مسوؤ لیت تعهد اسلامی ، شانه خالی کنند . مسلمانان در هر حال ، باید به خاطر گسترش اسلام بکوشد و با ظلم و گناه پیکار کند .

هنگامه قیام ، معلوم نیست

امام باقر (ع) :

سئل ابو جعفر (ع) هل لهذا الامر وقت ؟ فقال کذب الوقاتون ، کذب الوقاتون کذب الوقاتون :

از امام پنجم پرسـیدند امام قائم به کدامین زمان قیام می کند ؟ حضرت در پاسخ سه بار فرمودند : آنها که زمان ظهور را تعیین می کننـد ، دروغ می گوینـد . در طول تاریـخ همواره شـیادهایی در صـدد سوء اسـتفاده از موقعت ها بوده اند . تا از اعتقادات مردم سود شخصـی ببرنـد ، عشق به امـام زمـان در دلهای مومنان به انـدازه است که مشـتاق زیارت آن بزرگوار و ارتباط با آن حضـرتند ، و این ممکن است زمینه بهربرداری نااهلان را فراهم سازد لـذا ائمه اطهار مردم را هشدار داده اند که از زمان ظهور کسی جز خدا خبر ندارد و اگر کسی چنین ادعایی نماید باید او را تکذیب کرد .

فضیلت منتظران

امام زین العابدین علیه السلام :

ان اهـل زمـان غیبته القـائلین بامـامته و المنتظرین لظهوره افضـل من اهـل کل زمان لان الله تبارک و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفه ما صارت به الغیبه بمنزله المشاهده . . . .

قطعـا شـیعیان و منتظران امـام زمـان از مردم هر زمـان دیگری برترنـد ، زیرا خـدای تبـارك و تعـالی ببرکـت انـدیشه و درک و شناختی که بدان یخشیده است . غیبت امام ، چونان ظهور او می باشد .

یاران حضـرت مهدی از نظر شناخت و رشد فکری و کمال عقلی و سطح بسیار بالا هستند . به اندازه ای که در زمان غیبت هم به آن حضرت ایمان و اعتقاد کامل دارند و در انجام وظائف زیاد قصور

و کوتـاهی نمی کننـد و به بهـانه غیبت و عـدم حضور از زیر بـار مسؤ لیتهـا شـانه خـالی نمی کننـد زیرا مقام امام و امامت را با دلیلهای روشن شـناخته بطوریکه هیچگونه شـبهه و ابهامی در نظر آنان وجود نداشـته و ماننـد حظور امام در راه خدا تلاش می کنند .

فریاد توحید

امام صادق (ع)

اذا قام القائم المهدی ، لایبقی ارض الانودی فیها شهاده ان لا الا الله و ان محمدا رسول الله .

آنگاه که امام قائم حضرت مهدی (ع)قیام کند ، بانگ یکتا پرستی و رسالت پیامبر عزیز اسلام در سراسر جهان طنین افکند .

خداوند در نظام آفرینش مقرر فرموده که سـرانجام سراسـر گیتی در زیر پرچم اسلام و رسالت حضرت ختمی مرتبت در آید و جامعه بشـری ببه کمال مطلوب برسـد و برای تحقق این هدف زمینه های آنرا نیز فراهم کرده که در راس همه آنها راهبر عادل معصوم است که توانائی و شایستگی آنرا دارد ، زمان آنرا هم خود می داند یعنی شرایط دقیقی که بتواند از آن راهبر عادل در سطح جهان بر خوردار باشد .

این آرزوی بشـریت آنگاه جامعه عمل می پوشـد که سراسـر عالم خـداپرست و مسـلمان شوند و این به دست با کفایت مهدی منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه خواهد بود .

هشدار ثابت در دین در زمان غیبت

امام زین العابدین (ع) :

من ثبت علی مولاتنا فی غیبه قائمنا اعطاه الله عزوجل اجر الف شهید من شهدا بدر و احد .

آن کس که در هنگامه غیبت امام زمان (ع)بر ولایت ما ثابت قـدم باشـد خداونـد اجر هزار شـهید از شـهدای بـدر و احد بدو بخشید .

همواره در مقابل مکتب حق و اهل حق ، باطفال صف آرائی کرده و با جلوگیری های کاذب در صـدد مبارزه با حق و نابودی طرفداران حق است . در زمان غیبت توطئه ها و موانع زیادی سر راه مردم قرار می گیرد . انسان باید محورهای ثابت را بشناسد و آنرا دریابد

، ولایت اهل بیت از مهمترین استوانه های حق است باید بدان دست یازید تا از نشیب و فرازها به ستامت عبور کرده و به مقصد رسید . برای شناخت راههای انحرافی مهمترین وسیله توجه به ولایت و مکتب ائمه است که همه حقایق را بیان کرده و راه درست را نشان داده اند .

تشکیلات دولت امام زمان (ع)

امام جواد (ع)

یجمع الیه من اصحابه عده اهل بدر ثلاثماه و ثلاثه عشر رجلا من اقاصی الارض . . . فاذا اجتمعت له هذه العده من اهل الارض اظهر الله امره فاذا کمل له العقد و هو عشره الاف رجل خرج باذن الله عزوجل .

فریاد دعوت مهدی موعود ۳۱۳ نفر - به تعداد اهل بدر - از یارانش را از گوشه و کنار رمین ره نزد او گرد می آورد . آنگاه که این گروه مخلص در رکاب آنحضرت قرار گرفتند دولت جهانی اسلام ، اعلام می شود ، ولی خروج امام و شروع عملیات تحقق حکومت واحد جهانی دقتی است که تشکیلات اصلی و مرکزی این دولت جهانی که مرکب از ده هزار نفر است بوجود آید .

ما می توانیم با اطلاعات از دستورات شرع مقدس و گام نهادن در راهی که توسط ائمه اطهار (ع) برای ما بیان شده جزو یاران امام زمان قرار گیریم و در هنگامه ی ظهور از سربازان و خدمتگزاران حکومت جهانی حضرت باشیم .

زندگی خود را طوری تنظیم کنیم که هر وقت امام تشریف آوردند زیاد بر اعمال و رفتار ما صحه بگذارتد و ما را به عنوان شیعه خود بپذیرد ادعای انتظار ، یدون عمل وپیروی راه ائمه اطهار ما

را در شمار شیعیان و یاران ائمه قرار نمی دهد .

آری امام زمان را دیده ام

عبدالله بن جعفر :

سالت محمـد بن عثمان العمری فقلت له : ارایت صاحب هذا الامر ؟ فقال : نعم و آخر عهدی به عند بیت الله الحرام و هو یقول : اللهم انجزلی ما وعدتنی .

عبـدالله بن جعفر می گویـد : از محمد بن عثمان که یکی از نایبان ویژه ی امام زمان (ع) بود پرسیدم آیا تا کنون امام زمان را دیـده ای ؟ گفت : آری و آخرین دیـدارم در کنار خانه ی خـدا (کعبه) بود که نیایش می کرد و می فرمود : خـدایا ! آنچه به من وعده داده ای به انجام رسان .

با اینکه امام زمان در دوران طفولیت غایب شدنـد ولی قبلا چه در زمان امام عسکری و چه پس از ارتحال آنحضـرت گروهی از شیعیان که نامشان در تاریخ آمده و مورد توجه هستند او را زیارت کردند و بعضی موارد امام عسکری شخصا فرزند خود را به اصحاب و یاران نشان می داد و بعنوان امام پس از خود معرفی می کرد .

ندای آسمانی

امام باقر (ع) :

نزلت هذه الایه و ان نشا(۷)ننزل علیهم من السماء آیه سوره شعراء - ۴ فی القائم و ینادی مناد باسمه و اسمه اءبیه من السماء .

امـام محمـد باقر (ع) در تفسـیر آیه ی : و اگر بخواهیم فرو می فرستیم از آسـمان نشانه یی فرمود : این آیه درباره ی حضـرت مهدی (ع) است که وقت ظهور او منادی غیبی از آسمان نام او و پدرش را به گوش مردم می رساند .

خداوندا آنچه برای هدایت مردم لازم باشد بیان می کند تا حجت بر همه

تمام شود و راه حق مخفی نماند و عذر و بهانه برای پذیرش حق نباشد .

یکی از نشانه های امام زمان (عج) صیحه آسمانی است که خبر قیام آن حضرت از آسمان به گوش مردم می رسد و همه را متوجه این حقیقت مهم می سازد .

عمران و آبادی در دولت مهدی (ع)

پیامبر گرامی (ص) :

یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و تظهور له الکنوز و لایبقی فی الارض خراب الایعمره .

حکومت امام زمان (ع) شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و گنجینه ها به دست وی افتد و او ویرانی های زمین را آباد سازد .

حکومت دینی و الهی علاوه بر مسئولیت تربیت و هدایت مردم و رشد و پرورش جنبه های معنوی و انسانی زیاد ، زندگی و رفاه آنان را به سر منزل کمال می رساند و بطور کلی اگر منبع و امکانات با عدالت تقسیم شود رفاه عمومی تامین گردیده . و یا حداقل فشار از دوش مستضعف برداشته خواهد شد در دولت امام زمان (عج) هم گنجینه ها بهره برداری شده و هم به جا و بموقع خرج خواهد شد .

ارتباط شرق و غرب

امام صادق (ع) :

ان المؤ من فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری اخاه الذی فی المغرب و کذاالذی فی المغرب یری اخاه الذی فی المشرق .

مؤ من در زمان امام قائم (ع)می تواند از مشرق جهان ، برادرش را در مغرب ببیند و همچنین از مغرب مشرق را .

ارتباطات در همه زمانها نقش مهمی در زندگی و پیشرفت امور ایفا می کند امروزه این مهم پیشرفت زیادی کرده است ولی بیشتر در دست مستکبران است اما در دولت مهدی (عج)ارتباطات در اختیار مومنان قرار خواهد گرفت و نه تنها صنعت ارتباطات بلکه ارتباطاتی که دنیای صنعت از آن عاجز خواهد بود یاران امان را یاری خواهد داد .

خدایا شاهد باش ، که ایمان داریم

پیامبر اکرم (ص) :

من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی .

آنکس که فرزندم قائم آل محمد را نپذیرد ، مرا نپذیرفته و انکار کرده است .

اگر داشـمند نابغه ای از اسـتادی ، بسیار تعریف کرد و گفت که از هر جهت وارد و کمال است ، نزد او درس بخوانید . اکنون اگر ما از دانش آن استاد استفاده نکنیم و او رابی سواد بخوانیم ، به آن دانشمند بی اعتنایی نکرده ایم

و سخنش را ناچیز نشمرده ایم ؟

بنابر این اگر کسـی آن قـدر بدگمان و سـست عقیده باشد که از این همه حدیث پیامبر را هم قبول ندارد ، و گرنه سـخن او را در باره امام زمان علیه السلام می پذیرفت .

منتظران همانند پیکار گرانند !

امام صادق علیه السلام :

من مات منتظرا لهذا الامر ، کان کمن کان مع القائم فی فسطاطه ، لا ، بل کان کالضارب بین یدی رسول الله بالسیف .

آنکس که با انتظار فرا رسـیدن حکومت امام زمان علیه السلام دیده از جهان فرو بندد ، مانند کسی است که با آن حضرت در خیمه اش باشد . نه ، بلکه مانند کسی استکه در پیش رسول خدا (ص)جهاد کند .

آنکه واقعا منتظر مهمان عزیزی باشـد . حتما خود را آماده پذیرایی او می کند . و تا آنجا که بتواند ، خواسـته های مهمان را بر آورد . و طوری رفتار می کنـد که او راضـی و شادمان باشـد ، ولی اگر فریاد کند و بگوید : من منتظر مهمانم ، ولی حتی یک لقمه نان برای او فراهم نکند . معلوم می شود دروغ میگوید . کسی هم

که واقعا به انتظار امام زمان (ع)باشد ، یک انسان کاملا منظم و پاک و نمونه خواهد بود ، و البته چنین شخصی که قدم قه صدم باید در راه خدا و انسانیت پیکار و فداکاری کند ، همانند سربازی است که در رکاب پیامبر عزیز اسلام ، جانش را بر کف نهاده واز اسلام حمایت و جانبداری می کند .

ایمان راستین

امام باقر علیه السلام :

هیهات هیهات . لا یکون فرجنا حتی تغربلواثم تغربلوا . یقولها ثلاثا حتی یذهب الله تعالی الکدر و یبقی الصفو .

از امام پنجم (ع)پرسیدند : حکومت شما آل محمد (ص)چه وقت است ؟ امام فرمود : وه ! چه دور است . حکمت ما آنگاه فرا می رسد که شما غربال شوید آزمایش شوید و سه بار این جمله را تکرار کرد و سپس فرمود : آنها که ایمانشان ضعیف و معیوب است ، می روند و تنها ایمان داران راستین بر جای خواهند ماند .

راه هدایت و رسیدن به حق و سعادت نیاز به بردباری و مقاومت دارد ، مقاومت در برابر شهوات و گناهان و جاذبه های شیطانی .

جمعی که برای رسیدن به حق وسعادت حرکت می کنند همه به مقصد نمی رسند بلکه ضعف ها و وسوسه های نفس و شیطان آنها را از راه باز می دارد و سر انجام زیبایی ها و جلوه های دنیارا بر آخرت بر می گزینند و از همراهی اهل حق باز می مانند .

برماست که خود را از سقوط در دام های شیطان حفظ کرده و در راه حق ثابت قدم بمانیم .

زمین به عدالت زنده می شود

امام باقر (ع) :

فی تفسیر قوله تعالی اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قال : یحییها بالقائم فیعدل فیها فیحیی الارض بالعدل بعد موتها بالظلم .

امام پنجم در تفسیر این آیه آگاه باشید خدا زمین را پس از مردنش زنده خواهد کرد ، فرمود : خدا زمین را به وسیله قائم آل محمد (ع) زنده می کند ، یعنی : جهان که به

بیدادگری مرده است به دادفرمایی امام قائم روح تازه پیدا می کند .

جلوه و زیبایی زندگی به عدالت است ، آن هم عدالت همگانی و جهانی ، تا همه انسانها در پرتو این نعمت بزرگ به سعادت برسند و جامعه ایده آل انسانی تحقق یابد .

این آرزو تنها به دست حجت خدا امام دوازدهم علیه السلام برآورده خواهد شد و مردم در شرق و غرب عالم در زیر پرچم عدالت زندگی خواهند کرد و ستمکاران و غارتگران به سزای اعمال ننگین خود رسیده و مظلومان و مستضعفان به حق خود دست خواهند یافت .

هر کس او را نشناسد . . .

امام حسن عسکری (ع) :

من مات و لم یعرف امام زمانه ، مات میته جاهلیه

آنانکه امام زمان خویش را نشناسند تا بمیرند ، همانند مردگان دوران جاهلیت اند .

شناختن امام ، دانستن روز تولد و درگذشت او نیست ، بلکه شناختن موقعیت ، شخصیت و هدف اوست . یعنی بدانیم که امام جانشین پیامبر ، و دانش او از دانش پیامبر است و تمام کارها و سخنان او راست و درست و مطابق واقع می باشد و اصلا آلوده به گناه و خطا و کارهای ناشایست نمی شود . هر چه بگوید ، برنامه صحیح زندگی و نشان دهنده راه سعادت است . و مخالفت با او مخالفت با خداست .

ولی اگر این طور امام را نشناسیم ، نه تنها دستورهای او را اجرا نمی کنیم ، بلکه با او مخالفت هم خواهیم کرد و در نتیجه ، از راه راست باز می مانیم و گمراه خواهیم شد ، همانطور که افراد پیش از اسلام گرفتار کفر و گمراهی شده

بودند .

روزگاری می آید که . . .

امام محمد باقر (ع) :

یاتی علی الناس زمان ، یغیب عنهم امامهم ، طوبی للثابتین علی امرنا فی ذلک الزمان .

روزگاری خواهد رسید که راهبر و پیشوای مردم از دیدگاهشان پنهان شود . خوشا آنان که در آن روزگاران ، در راه و روش ما(شیعه راستین بودن)استوار باشند .

دوران زندگی ما ، هنگامه پنهانی راهبری است که پنجمین امام ، آن را فرموده است . هم اکنون امام زمان (ع)از دیدگاه ها پنهان ، و شهوت پرستی و ضد مردمی از هر سو جهان را فرا گرفته است .

ماییم که باید در این دوران تاریک و مرگزا ، از برنامه های امام قائم (ع)بهره گیریم و در راهمان استوار باشیم ، چه آنانکه ایماندار راستین ، در برابر سیل بنیان فساد و بی دینی ، چونان کوه پابرجا است و این گفته نخست پیشوای ما است که : مؤ من از کوه سخت تر است .

نشانه های او

نشانه های او

در این فصل ، حدیث های بلند ، به گونه داستان های کوتاه آورده شده است . و از متن ها به خاطر گستردگیش چشم پوشیدیم .

آوای قرآن

چشمه خورشید ، در سیاهی شد ، و شب هنگام فرا رسید . صدای اذان ، از مناره مسجد در شهر پیچید . مردم دست از کسب و کار شستند ، و برای نماز به مسجد شتافتند . صف های نمازگزاران ، چونان صف سربازان مجاهد اسلام پیوسته و قلب ها پر جوش و مهربان ، و فضای مسجد از هیجان و شکوه پر بود .

نماز جماعت ، با شور و احساس آسمانی ، در میان امواج دعای نیایشگران به پایان رسید ، ولی مسجد همچنان پر تپش و زنده بود . . . نیایش دسته جمعی تمام ، و برنامه درس آغاز می شود . نوآموزان ، دور آموزگار خود حلقه زده بودند و قرآن فرا می گرفتند . صدای دلنشین قرآن ، در فضای مسجد طنین افکنده بود و گوش ها را نوازش می داد . راستی کلام خدا چه زیبا و روح افزا است . عبدالله مسعود استاد معروف آموزش قرآن ، که از یاران نزدیک پیامبر اسلام (ص)بود ، شاگردان را با اخلاقی نیکو و روشی پسندیده همچون پدری مهربان ، قرآن می آموخت .

مسروق یکی از نوآموزان می گوید : بعد از نماز مغرب به آموزش قرآن ، نزد ابن مسعود نشسته بودیم . مردی از استاد پرسید : آیا هیچ از پیامبر پرسیدی چند پیشوای معصوم هدایت مردم را بر عهده می گیرند ؟

استاد گفت : از آن وقت ك ه

به عراق آمده ام ، تا کنون کسی چنین پرسشی از من نکرده است . . . آری از رسول خدا (ص)پرسیدم و آن حضرت فرمود : رهبران هدایتگر شما دوازده نفرند به شماره نقبای بنی اسرائیل . و این درست مانند حدیثی است که سلمان فارسی از پیامبر عزیز ما ، نقل می کند که فرمود : امامان پس از من دوازده نفرند به تعداد ماه های سال .

کشتی نوح

نوح پیغمبر (ع) ۹۵۰ سال ، مردم را به خدا پرستی و انسانیت خواند ، ولی مردم نه تنها به او ایمان نیاوردند ، بلکه به مسخره اش گرفتند و او را سخت آزردند . از آن همه جمعیت ، تنها شماره به وی گرویدند ، و دین او را پذیرا شدند . نوح (ع)پس از ۵۰ سال صبر و شکیبای و پیگیری در راه هدایت مردم ، از آنان ناامید شد و سرانجام به نفرینشان برخاست خداوند دعای او را پذیرفت و به وی دستور داد کشتی بزرگی بسازد . هنگامی که نشانه ای عذاب در رسید کسانی که ایمان آورده بودند به کشتی سوار شدند . سیلاب باران از آسمان سرازیر شد ، و چشمه های زمین به شدت جوشید . سیلی وحشتناك همه جا را فرا گرفت و بیابان ها و فراز و فرودها را پر کرد . آب ، کشتی را به این سو و آن سو می برد و چون گهواره می گرداند ، ولی سرنشینان هرگز آسیبی ندیدند و از خطر رستند .

کافران که نوح و دیگر ایمانداران را به مسخره می گرفتند . طعمه امواج

خروشان شدند و از بین رفتند .

اینک پیامبر ما از نوح سخن می گوید :

یارانم ! فرزنـدان پاک من ، چنان کشتی نوحند ، هر کس به کشتی نشست از نابودی برست . کسانی هم که فرزندان پاک مرا پیشوا قرار دهند از گمراهی و هلاکت نجات پیدا خواهند کرد . . .

این هنگام مردی پرسید : یا رسول الله ! پیشوایان بعد از شما چند نفرند ؟

حضرت فرمود : دوازده نفر که همگان از دودمان منند .

او کاخ ستمگران را در هم می کوبد

تیرگی ، روزگـاران را فرا گرفته ، و امـام مجتبی به خـانه نشسته است . آنان مه نامردمی کرده و امام را در نبرد با معاویه یاری ننموده بودند ، به صلح وی خرده می گرفتند .

امـام مجتبی در پاسـخشان فرمود : فسوسـا ! که شـما راز کـار مرا نمی دانیـد . بهره آنچه انجام داده ام ، فزونتر از همه چیزهایی است که خورشـید بر آن می تابد . . . مگر نمی دانید من پیشوای شـما هسـتم و اطاعت من بر شما لازم است ؟ مگر پیامبر عزیز اسلامی (ص) مرا یکی از دو سرور جوانان بهشت معرفی نفرمود ؟

مردم : آری

امام : مگر نمی دانید آنکاه که خضـر آن ؟ تی را سوراخ کرد و دیوار خرابه را ساخت و . . . حضـرت موسـی چون از راز آنها بی خبر بود و حکمت و دلیـل آن را نمی دانست به خشم آمـد . (اینـان هم چون حکمت صـلح و کناره گیری مرا نمی داننـد ، خرده می گیرند)مگر نمی دانید که ما امامان گرفتار بیدادگران زمان خود هستیم ، به جز امام

قائم (ع)آنکه عیسا پشت سراو نماز می گزارد . خداوند ولادت وی را پنهان ، و او را از دیده ها دور خواهد داشت ، تا در هنگامه خروج و نهضتش گرفتار بیعت ستمکاری نباشد ، او نهمین فرزند برادرم حسین (ع)است .

خداوند عمر او را در روزگار غیبت دراز می کند و آنگاه وی را به صورت جوانی چهل ساله ظاهر می سازد ، تا مردم بدانند خداوند بر همه چیز توانا است .

جانشین کیست ؟

مردی یهودی به نام نعثل خدمت پیامبر اسلامی (ص) شرفیاب میشود و می گوید ، ای محمد ! از مسایلی که مدت درازی است در سینه ام مانده و مرا به زحمت انداخته است ، می پرسم . چنانچه جواب آنها را گفتی ، مسلمان می شوم . پیامبر فرمود : بپرس . مرد یهودی پرسش هایی کرد و جواب های قانع کننده دریافت تا بدینجا رسید که : ای محمد ! جانشینت کیست ؟ زیرا هیچ پیامبری بدون جانشین نبوده است . پیامبرما حضرت موسی هم یوشع بن نون را جانشین خود قرار داد . پیامبر (ص) فرمود : وصی و جانشین من علی بن ابیطالب است ، و پس از او دو نواده ام حسن و حسین و پس از آنها نه امام ، از دودمان حسین دگر بار پرسید : نامهای ایشان را یاد کن پیامبر فرمود : پس از شهادت حسین فرزندش علی ، ، پس از او فرزندش محمد ، پس از او پسرش جعفر و پس از او پسرش موسی ، پس از او پسرش علی ، پس از او

پسرش محمد و پس از او پسرش علی و پس از او حسن و آنگاه که حسن از دنیا رفت ، پسرش حضرت حجت - که پیوسته درود خدا بر آنان - می باشند .

نعثل ، پس شنیدن نام امامان دوازده گانه - همانطور که در تورات دیده بود - مسلمان شد .

فرماندار کشته شد

فرماندار شهر سامره که از ستمکاران نابکار و تشنه خون پیروان علی (ع)بود ، حکم قتل ابراهیم بن محمد را صادر کرد . ابراهیم از ترس جان خویش تصمیم گرفت از شهر بگریزد . از زن و فرزند ، خداحافظی کرد . در آخرین لحظه ها به خانه امام حسن عسکری (ع) رفت تا با امامش نیز وداع کند . بقیه داستان را از زبان خود ابراهیم بشنوید : بر امام وارد شدم . کودکی پهلوی او نشسته بود و صورت زیبای او می درخشید؛ به گونه ای که من غم خود را فراموش کردم و غرق تماشای او شدم .

کودک رو به من کرد و فرمود : ای ابراهیم ! فرار نکن خدا ترا از شر فرماندا حفظ خواهد کرد . سخن طفل ، بیشتر مرا به شگفتی واداشت . به امام عسکری (ع) عرض کردم ، فدایت شوم این کودک کیست که از ناپیدا و نیامده گزارش می دهد ؟

امام فرمود : این ، فرزند و جانشین من است و هموست که زمانی دراز از دیدگان مردم پنهان خواهد شد . . . ای ابراهیم ! آنچه امروز از ما دیدی و شنیدی ، پوشیده دار . مگر از دوستان

بر آل پیامبر درود فرستادم ، و با

خـاطری آسوده و دلی پر آرامش –که شـادی از رحمت خـدا در آن موج می زد – از خانه امام بیرون آمـدم . تو گویی سـخن امام قائم (ع) آب سـردی بود که جگر سوخته و پر تلاطم را آرام کرد . زمانی نگـذشت که به دسـتور معتمـد خلیفه عباسـی ، فرماندار کشته شد .

ما را به هدیه او نیازی نیست

نشانه بازار مسـلمانان ، سـر پوشیده های دور و دراز ، طاق های گنبدی و دکان های ساده نبود . نشانه بازار مسلمانان ، راستی ، درستی ، رحم و انصاف بود .

هر جا غیر از اینها بود ، می گفتند :

اینجا بازار مسلمانان نیست .

داخـل حجره هـا و دکانهـا ، گفتگو از داد و سـتد ، تهیه و پخش کالاهـای مورد نیـاز مردم و تـاءمنی آسـایش آنها بود ، که بر اسـاس دسـتورهای تجارتی اسـلام دور می زد . گاهی نیز در فکر و مشورت کمك و یاری بینوایان ، و یا سـر گرم کتاب خـدا بودند هر چه بود ، از عمر گرانبهای خود ، حداکثر استفاده را می بردند و از همه بالاتر به یاد عزیزشان امام زمان (ع) بودند .

در شـهر قم مردی بزازی – از شـیعیان و دوسـتداران امام قائم (ع) شریکی داشت که او شیعه دوازده امامی نبود . از قضا پارچه گرانبها و جالبی به دست آنها افتاد .

مرد شیعه به شریکش گفت :

این پارچه قابلیت مولایم را دارد .

شریکش گفت من مولایت را نمی شناسم ، ولی آن را به هر که می خواهی بده . و او پارچه را برای امام زمان (ع) فرستاد .

آنگاه که پارچه

به دست امام (ع) رسید ، آن را دو نیم کرد و نیمی از آن را پس فرستاد و فرمود : به مال مخالف و غیر شیعه نیازی نداریم .

دروازه غرب به دست او گشوده می شود

حضرت باقر (ع) فرمود : قائم ما نهضت خویش را از مکه می آغازد ، و پرچم و شمشیر رسول خدا (ص) و دیگر نشانه های پیامبر و درخشش گفتار محمدی (ص) با اوست .

پس از نماز شامگاه فریاد بر می آورد : ای مردم ! شما که در دیدگاه خدا و زیر فرمان و اراده او هستید ، به هوش باشید . به خدا ایمان آرید که پیامبران را با مشعل کتاب و قانون و برهان های روشن ، فرستاده است خدا شما را فرمان می دهد که برای او شریک قرار ندهید و پاسدار دین و گفتار پیامبر باشید . زنده بدارید آنچه قرآن زنده کرده است . و نابود سازید آنچه قرآن از بین برده است . قلبتان به خاطر هدایت و نجات گمراهان بتپد . من شما را به سوی خدا و پیامبر می خوانم ، که برنامه های قرآن را اجرا کنید . باطل را بکوبید و راه و روش پیامبر را به پا دارید . پس از این گفتار ، یارانش که ۳۱۳ نفر می باشند ، مانند بارانهای پراکنده پاییز ، به هم می پیوندند . آنها مردانی هستند که در شب به راز و نیاز با خدا زنده اند و در روز ، شیران بیشه شجاعتند .

خداوند نخست حجاز را برای او می گشاید و او زندانیان بنی هاشم را آزاد می سازد

، پرچم هـای سـیاه کوفه به زیر می آیـد ، و به عنوان نشـانه بیعت ، به سوی امام قائم فرسـتاده می شود . در این هنگام است که امام سپاه را به شرق و غرب جهان می فرستد تا بیداد و بیدادگران را ریشه کن سازند ، و کشورها برای او گشوده می گردد و به دست او استانبول (دروازه غرب) فتح می شود .

نشانه های پنجگانه

امام صادق (ع) فرمود : پنج چیز از نشانه های ظهور قائم ما است .

۱ - صیحه آسمان : فریادی از آسمان به گوش می رسد که امام زمان و شیعیان او برحقند .

۲ - خروج سـفیانی : سفیان ، مردی از دودمان ابوسفیان پدر معاویه است ؛ و نام او عثمان بن عنبسه می باشد و از شام خروج و هشت یا نه ماه حکومت می کند .

۳ - خسف بیداء : لشگر سفیانی در سرزمین بیداء که محلی میان مکه و مدینه است در دل زمین فرو می رود .

۴ - خروج یمانی : یمانی مردی است که مردم را به سوی امام زمان می خواند و از یمن قیام می کند .

۵ - کشـته شـدن نفس زکیه - نفس زکیه جوانی است از دودمـان پیـامبر که نامش محمـد بن حسن است و در مکه شـهید می شود .

توضیح :

نشانه های ظهور و قیام امام قائم (ع) دو گونه است . حتمی و غیر حتمی .

نشانه های غیر حتمی :

ممکن است در زمان های دیگر نیز پدید آید و تا قیام آن حضرت ، فاصله ای زیادی داشته باشد ، ولی نشانه های حتمی

، نزدیک شدن قیام امام را خبر می دهد که دیگر فاصله ای نیست . نشانه های بالا ، از علامت های حتمی است .

و اوست که زمین را پر از داد خواهد کرد

احمد بن اسحق اشعری می گوید : خدمت امام عسکری (ع) شرفیاب شدم . می خواستم از جانشینش بپرسم پیش از آنکه سخن بگویم امام فرمود : ای احمد ! خداوند زمین را - از روزگاری که آدم را آفرید تا روز رستاخیز - از حجت و راهنمای الهی . خالی نگذارده و نخواهد گذاشت .

پرسیدم : ای فرزند رسول خدا ! امام پس شما کیست ؟

حضرت بی درنگ از جا بر خاست و به داخل خانه رفت و پس از لحظه ای ، در حالی که کودک سه ساله ای را به دوش داشت ، بیرون آمد . آنگاه فرمود : ای احمد ! به خاطر آنکه پیش خدا و ما گرامی هستی ، فرزندم را به تو نمایاندم . نام و کنیه او ، نام و کنیه پیامبر است . و اوست که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد ، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد .

در این هنگام احمد بن اسحق نشانه ای از امام خواست تا قلبش اطمینان بیشتری پیدا کند .

کودک سه ساله به عربی فصیح گفت : من ، بقیه الله و انتقام گیرنده از ظالمان هستم . . .

نابودی ستمکاران به دست قائم ما است

امام یازدهم فرمود : بنی امیه و بنی عباس ما را هدف شمشیرهای خود قرار داده اند ، به دو جهت :

نخست : می دانستند سرپرستی مردمان حق آنها نیست و از آن بهره ای ندارند و از اینکه ما قیام کنیم و حقمان را از آنان بگیریم و حکومت حق را بر پا سازیم - در وحشت و اضطراب بودند

.

دو دیگر : از حدیث های روشن و مسلم دریافته اند که نابودی حکومت ستمگران و زورگویان به دست قائم ما است و خود ، نیکو می داند که ستمگر و زورگو هستند .

اینها در کشتن دودمان پیامبر ، سخت کوشیده اند تا نگذارند قائم آل محمد به دنیا آید ، ولی خداوند نخواست آنها جای او را بدانند تا آنگاه که دولت و حکومت او ظاهر شود ، اگر چه ستمگران را خوش نیاید

آبی سردتر از برف و شیرین تر از عسل

مردی پارسا به حج خانه خدا رفته ، و سفر خویش را این چنین گزارش می کند :

صحرای عربستان چون تنوری سوزنده ، و هرم آفتاب ، توفنده بود . از قافله عقب ماندم . راه را گم کردم و خود را تنها یافتم . تشنگی مرا از پای در آورد و نقش بر زمین ساخت . ریگهای داغ ، چون تابه ای مرا می سوزاند .

تشنگیم آن چنان شدت یافت که به آستانه مرگ رسیدم . ناگهان صدایی شنیدم . چشمم را باز کردم . جوانی زیبا روی از گرد راه رسید ، و با چهره ای مهربان ، مرا آبی سردتر از برف و شیرین تر از عسل نوشاند و از مرگ حتمی نجاتم داد . آنگاه که رمقی گرفتم پرسیدم کیستی ؟ فرمود : من حجت و بقیه الله در زمینم . همان کسی که زمین ظلم زده را ، به عدل و داد زنده خواهد کرد .

من فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب - که درود خدا بر تمامی آنان

باد – هستم .

و چون چشم بر هم نهادم و دیده باز کردم خود را در پیشاپیش کاروان دیدم و او از نظرم ناپدید شده بود .

دو فرزند دانشمند

پدر شیخ صدوق یکی از دانشمندان بزرگ اسلام در قرن سوم هجری – دوران غیبت صغری است .

او که سالها از ازدواجش می گذشت – هنوز پدر نشده بود . نامه یی به

حسین بن روح یکی از نایبان مخصوص امام زمان می نویسد که امام دعا کند .

خدا به او پسری ببخشد .

جواب نامه ، چنین بود : علی بن حسین ! تو از این همسر ، دارای فرزند نخواهی شد ، ولی به زودی از زن دیگر ، دو فرزند فقیه و دانشمند خواهی یافت .

علی بن حسین ، همسر دیگری اختیار می کند و خدا او را دو فرزند فقیه و دانشمند به نامهای محمد و حسین می دهد که هر دو فقیهی ماهر و محدثی (۸)عالی مقام بودند .

آرامگاه شیخ صدوق در شهر ری و آرامگاه پدرش در قم است .

جانشینت کیست ؟

مردی یهودی به نام نعثل خدمت پیامبر اسلامی (ص) شرفیاب می شود و می گوید : ای محمد ! از مسایلی که مدت درازی است در سینه ام مانده و مرا به زحمت انداخته است ، می پرسم . چنانچه جواب آنها را گفتی ، مسلمان می شوم .

پیامبر فرمود : بپرس . مرد یهودی پرسش هایی کرد و جواب های قانع کننده دریافت تا بدینجا رسید که : ای محمد ! جانشینت کیست ؟ زیرا هیچ پیامبری بدون جانشین نبوده است . پیامبر ما حضرت موسی هم یوشع بن نون را جانشین خود قرار داد . پیامبر (ص) فرمود : وصی و جانشین من علی بن ابیطالب است ، و پس از او دو نواده ام حسن و

حسین و پس از آنها نه امام ، از دودمان حسین

دگر بار پرسید : نامها ایشان را یاد کن پیامبر فرمود : پس از شهادت حسین فرزندش علی ، ، پس از او فرزندش محمد ، پس از او پسرش جعفر و پس از او پسرش موسی ، پس از او پسرش علی ، پس از او پسرش محمد و پس از او پسرش علی و پس از او حسن و آنگاه که حسن از دنیا رفت ، پسرش حضرت حجت - که پیوسته درود خدا بر آنان - می باشند .

نعثل ، پس از شنیدن نام امامان دوازده گانه - همانطور که در تورات دیده بود - مسلمان شد .

شاید امام در جمع شما باشد

برادران یوسف (ع) به او رشک بردند ، و وی را به بهای ناچیزی فروختند . پنداشتند که آینده درخشان او را ناچیز کرده اند ، و خودشان عزیز شده اند . سال ها گذشت و یوسف از دست گرگ حسد و چاه بداندیشی برادران رست و عزیز کشور بزرگ مصر گشت .

کنعان شهر برادران یوسف ، خشکسالی شد و آنها برای خرید گندم وارد مصر شدند . نمی دانستند که عزیز مصر برادرشان یوسف است . فکر نمی کردند از روی خاک های ته چاه ، به فراز کرسی سلطنت رسیده باشد ، ولی یوسف آنها را شناخت . روزی یوسف به آنها گفت : می دانید ، با یوسفتان چه کردید ؟ آنها دریافتند ، و گفتند آیا تو یوسفی ؟ !

امام صادق (ع) فرمود : چه مانعی دارد خدا درباره حجتش چنین کند و او را مانند یوسف ،

ناشـناس نگهـدارد . در بازار مسـلمانان راه رود ، و در محافلشان بنشـیند ، ولی مردم او را نشناسـند تا آنگاه که به فرمان خـدا ، خود را بشناساند .

حکومت او تا روز قیامت است

از امام صادق (ع) پرسیدند : پیشوای دادگر کیست ؟

امام فرمود : آنکه خدا اطاعت او را پس از پیامبر بر همگان واجب کرده است . پیشوایان دادگر ، یکی پس از دیگری می آیند تا سرانجام نوبت به پیشوای دوازدهم خواهد رسید .

مردی از یاران آن حضرت پرسید : ای فرزند رسول خدا ! روشن تر بیان فرما .

امـام فرمود : این آیت از قرآن کریم ، آنـان را معرفی می کنـد : از خـدا و پیـامبر و فرمانروایانتـان - پیشوایان معصوم - اطاعت کنید . (۹) که آخرینشان از آسـمان فرود آید و پشت سـر او نماز گزارد . او دجال را می کشد و به یاری خداوند ، سـر تا سـر دنیا را می گشاید ، و حکومت او تا انجام جهان پایدار خواهد بود .

و آخرینشان قائم است

صـورتی زیبـا ، موهـای شـانه کرده ، دنـدانهای درخشـان ، لبـاس و بـدنی تمیز و عطرآگین ، و از همه باشـکوه تر ، درخشـش سیمایی که تمامیت انسانست و کمال را می نمایانـد؛ چهره پیامبری است که در مسـجد نشسـته و برای مردم سـخن می گوید . آری پیامبر عزیز اسـلام است که به مسـلمانان درس زندگی می دهد . شنوندگان نیز سراپا گوشند و به سخنان جذاب و پر مغز حضرت گوش فرا داده اند .

سلمان پارسی : پیر مرد روشن ضمیر ایرانی در جمع حاضران بود و سخنان رسول الله را برای ما چنین بازگو می کند :

پیامبر فرمود :

ای مردم ! من در این زودی ها شما را وداع خواهم گفت . شما را ای مردم درباره فرزندانم (عترت)سفارش می کنم

تا بدانها نیکی کنید و بزرگشان دارید از بدعت (پدید آوردن کژی هایی که از دین نیست)دوری کنید ، زیرا هر گونه بدعتی گمراهی است و گمراهان در آتشند . آنکه از دیدار خورشید محروم است باید از ماه بهره گیرد و آنکه ماه را نمی بیند ، باید از نور فرقدان (دو ستاره نزدیک قطب شمال) روشنی گیرد و اگر آن دو هم نبوند ، از دیگر ستارگان فروزان . . .

سلمان می گوید : پیامبر (ص) از منبر به زیر آمد و به خانه رفت . من نیز آن حضرت را همراه بودم ، پرسیدم یا رسول الله ! پدر و مادرم فدایت . منظورت از خورشید و ماه و فرقدان چیست که فرمودید هر کدام را از دست دادید ، به دیگری پناه برید ؟ آن گرامی فرمود : من بسان خورشیدم و علی (ع) چونان ماه . در آن هنگام که مرا از دست دادید ، علی را پیشوا قرار دهید .

و اما فرقدان حسن و حسین هستند که پس از علی (ع) پیشوای شما خواهند بود . اما دیگر ستارگان روشن پیشوایان نه گانه ای هستند که از نسل حسین (ع) پدید می آیند و آخرین آنها ، مهدی (ع) است . . .

سلمان نام امامان را پرسید و آن حضرت چنین فرمود : نخستینشان علی بن ابیطالب ، پس از او حسن و حسین دو نواده ام ، و پس از آنان زین العابدین علی بن الحسین و بعد ، محمد بن علی باقر و صادق جعفربن محمد و فرزندش کاظم و

فرزند او علی که در خراسان جام شهادت را می نوشد ، سپس فرزندش محمد و دو راستگوی دیگر علی و حسن و حجه قائم آخرینشان که درود خدا بر تمامی آنان باد اینان دودمان من و از من هستند ، دانش آنان ، دانش من و فرمان آنان ، فرمان من است آنکه آنان را بیازارد مرا آزرده و از شفاعت من بهره مند نخواهد شد .

اینست دین راستین

مجلسی بود و گروهی از مردم خدمت امام باقر (ع) نشسته بودند و از گفتار آن حضرت بهره می بردند و معنویت امام ، چونان بال فرشتگان بر مجلس سایه افکنده بود . روشن است در مجلسی که امام حضور داشته باشد ، سخن از حل مشکلات و شناساندن راه های صحیح زندگی و دانستنی هایی درباره تکامل معنوی و انسانی است .

مجلس به پایان رسید . همگان پراکنده شدند ، ولی تنها ابو حمزه ثمالی بر جای ماند .

امام با وی گفتگو را ادامه می دهد ، می گوید :

ای ابو حمزه ! در قیام قائم ما شک و تردید راه ندارد و خداوند آن را تغیر نخواهد داد و قطعی است . آن کس که این گفتار را نپذیرد ، ایمان به خدا ندارد .

در این هنگام احساس ویژه یی به امام دست داد و چنین فرمود : پدر و مادرم فدای آنکس که پس از من هفتمین است و زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد . . .

ابوحمزه می گوید :

امام باقر (ع) پس از این احساس و هیجان

، لختی فرود آمد و متفکرانه به آیتی از قرآن اشاره کرد و گفت : روشن تر از این سخن ، کلام خداست که می فرمود : از آغاز آفرینش زمین و آسمان ها ، شماره ماه ها نزد خدا و در کتاب خدا دوازده بوده است ؛ چهار از آنها ، ماه های حرام است . اینست دین پابرجا و راستین خدا . درباره این ها به خود ستم نکنید .

امام در این آیه ادامه داد : شناختن ماه های محرم ، صفر ، ربیع . . . و حرامهای آن که : رجب ، ذوالقعده ، ذوالحجه و محرم می باشد . دین پابرجا و راستین خدا نیست ، زیرا یهود و مسیحیان و مجوس و دیگر مردمان نیز این ماه ها را می شناسند و نام آنها را می دانند مقصود از آنها ، امامان دوازده گانه هستند ، که دین خدا را بر پا می دارد .

خانه علی (ع) پناهگاه شماست

پس از در گذشت رسول خدا (ص) برخی از یهودیان به مدینه می آمدند و پرسش هایی می کردند . می خواستند بدانند نشانه هایی که تورات درباره پیامبر اسلام و جانشینان داده است ، بر چه کسی راست می آید .

در زمان عمر ، یک نفر یهودی نزد او آمد و پرسش های کرد . عمر نتوانست پاسخ گوید ، ولی چون می دانست پاسخ پرسش نزد کیست ، او را نزد علی علیه السلام فرستاد .

مرد یهودی به آستان پیشوان مؤ منان شرفیاب شد و سؤ الاتش را پرسید . یکی از پرسش هایش این بود که : پیشوایان مسلمانان چند

نفرند ؟ امیرمؤ منان علی (ع) فرمود : دوازده نفر .

مرد یهودی گفت : راست گفتی . به خدا سوگند این گفته تو ، درست همانند نوشته تورات می باشد .

امام قائم و مساءله طول عمر طی قرون و اعصار

امام قائم و مساءله طول عمر طی قرون و اعصار

امام و امامت ، وظیفه ساز و مسئولیت آفرین است و هدایت و غم مردم خوردن و هدایتگر مردم ، بایستی غم مردم را داشته ، غمخوار آنان باشد .

و آنگاه که قرنهامی پاید و غیبت استوار می گردد . چونان زمان حضور ، گرمای وجود مبارك امام ، راهگشا و امید آفرین است .

دانستیم که تولد قائم آل پیامبر در سال ۲۵۵ هجری بوده است . از این رو هزار و اندی از عمر آن حضرت می گذرد . و این پرسشی است ، که چگونه یک انسان بدین درازی ، عمر می کند ؟

این مساءله از نظر ما خدا پرستان ، بسیار ساده است ، زیرا قدرت و دانش خدا ، اندازه و بن بست ندارد ، و او می تواند حجت و امامی را ، مدتی دراز ، زنده نگه دارد ، اصل آفرینش انسان ، با صدها ریزه کاریها و دقت ، بسی شگفت آورتر از طول عمر است .

ساده ترین عضو بدن ما از نظر ساختمان و طرز کار ، به اندازه ای مهم و اسرارآمیز است که نوبت به مساءله ای طول عمر نمی رسد . آیا تا کنون فکر کرده اید غذا خوردن چگونه انجام می شود ؟ چشمه بزاق یا پل معلق مری چه کارهایی را انجام می دهند ؟ خوابیدن چیست ؟ آنگاه که می خوابیم ، آیا واقعا می میریم و بعد ،

دوباره زنده می شویم ؟ ! چگونه سخن می گویم ؟ پاره گوشتی به چین و شکن های دهان و دندان می خورد ، صدا پدید می آید و ترجمان خواسته های و نظرات ما می گردد ، و در طی زمانها تمدن ها را به وجود می آورد . آیا این شگفت انگیز نیست ؟

چگونه عمر دراز پدید می آید ؟

اگر دستگاه تنفس ، اعصاب ، گوارش ، قلب ، مغز ، اعضا و کالبدها ظاهری انسان ، سالم باشد ، و مواد غذایی سالم و لازم نیز به او برسد ، به علاوه از آب و هوای تمیز و سلامت هم برخوردار باشد عمر ، طولانی خواهد گشت .

مردمی که بهداشت را بیشتر مراعات می کنند و رازهایی از سلامت را می دانند و به کار می بندند عمر طولانی تر خواهند کرد . بیشتر مردم در اثر کمبود مواد غذایی ، مصرف غذاهای فاسد و تقلبی ، ندانستن و مراعات نکردن اصول بهداشت ، آلودگی آب و هوا بیمار می شوند . و بسیاری از بیماران در اثر نارسایی دانش پزشکی یا اشتباه های پزشکان و ندانستن امکانات می میرند .

۷۲۰۰۰ سال

برناردشاو نظریه وایزمن دانشمند آلمانی را چنین شرح می دهد : مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست . و در علم طبیعت ، از عمر جاودان تا عمر یک لحظه ای وجود دارد . آنچه طبیعی و فطری است ، عمر جاودانی و همیشگی است . (۱۰)

دانشمندان علوم طبیعی ثابت کرده اند برخی از حیوانات ، می توانند نهصد برابر عمر طبیعی خود ، زندگی کنند . بدون تردید انسان در این راه استعداد و توانایی بیشتری

دارد . بنابراین اگر عمر طبیعی انسان را هشتاد سال فرض کنیم ، ممکن است که ۷۲۰۰۰ سال عمر کند . (۱۱)

دکتر فوردنوف می گوید : قرن بیستم تمام نمی شود مگر اینکه بشر بر پیری پیروز می شود (۱۲)

اینکه می گویند : بدن آدمی بیش از شش برابر دوره رشد خود نمی تواند زنده بماند ، یعنی نهایت عمر انسان صد و بیست سال است ، درست نیست ، زیرا در میان ملت ها و اقوام وحشی و متمدن ، افرادیکه از صد و پنجاه سال بیشتر دارند ، فراوان به چشم می خورند .

بیشتر دانشمندان پزشکی معتقدند که انسان نمی میرد ، بلکه خود را می کشد . (۱۳)

تورات و انجیل ، و عمر طولانی

تورات و انجیل عمر برخی از پیامبران را بدین گونه ثبت کرده است :

۱)آدم ، ۹۳۰ سال . (۱۴)

۲)نوح ، ۹۵۰ سال . (۱۵)

۳)متوشالح ، ۹۶۹ سال (۱۶)

۴)شیث ، ۹۱۲ سال . (۱۷)

با این مقدمه ، نتیجه می گیریم که نخست قدرت و توانایی خداوند بالاتر از همه مشکلات و موانع راه زندگی است . دیگر آنکه دیدیم دانشمندان هم می گویند : امکان دارد یک موجود زنده ، مدتی بس دراز زندگی کند . سه دیگر ، امام زمان (ع) هم که به اراده خدا زنده مانده ، خود نیز از دانش الهی بهره مند است و راه های سالم زیستن را به نیکی می داند .

از این رهگذر است که در زنده بودن و عمر دراز حضرت قائم ، شک و تردیدی راه ندارد .

البته در زمینه ای این مساءله سخن بسیار است و بسیار سخن گفته اند ، ولی ما

به خاطر کوته نگاری به این کم بسنده کردیم .

وظیفه ما ، در دوران غیبت امام قائم (ع)

وظیفه ما ، در دوران غیبت امام قائم (ع)

سیر تکاملی نظام آفرنیش و نقش انسان در سرنوشتش ، چنین اقضا می کند که هر کس به تناسب رشد خود و دوره ای که در آن زیست می کند با وظیفه و مسؤ لیتی بر دوش کشد تا خود تکامل یابد و به سعادت جامعه نیز یاری رساند . . . وبدینسان است که دورانی که به تحقق عدالت سراسری و مطلق منتهی می شود؛ وظایفی سنگینتر و مسئولیتهای سترگتر دارد

و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ، و لا تتبعواالسبل ، فتفرق بکم عن سبیله . ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون : (۱۸)

این راه راستین من است . از آن پیروی کنید ، و به دیگر راه ها مروید ، که شما را از راه به بیراهه می افکند . این سفارش خداست . باشد که پرهیزگار شوید .

یا ایها الناس قدجاءکم الرسول بالحق من ربکم ، فامنوا خیرا لکم : (۱۹)

ای مردم ! پیامبر بر حق اسلام از سوی خدایتان آمده است ، به او ایمان آرید ، که به سود شماست .

یا ایها الذین آمنوا ، استجیبوالله و الرسول ، اذا دعاکم لما یحییکم : (۲۰)

ای گرویدگان ! به ندای خدا و پیامبر ، که شما را به سوی حیات و زنده بودن می خوانند پاسخ مثبت دهید .

ما آتاکم الرسول فخذوه ، و ما نهاکم عنه فانتهوا : (۲۱)

آنچه پیامبر آورده است ، بپذیرید و به کار بندید و از آنچه بازتان داشته ، دوری و خودداری کنید .

حلال محمد حلال الی یوم القیامه ، و حرامه حرام الی یوم القیامه

: (۲۲)

حلال و حرامی که پیامبر آورده است تا روز رستخیز بی تغییر است .

و ما کان لمؤ من و لامؤ منه ، اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیره من امرهم : (۲۳)

آنگاه که خدا و پیامبر ، حکم و فرمانی صادر کردند ، هیچ مرد و زن مسلمان ، در آن تردید نمی کند .

اطیعوالله و اطیعو الرسول و اولی الامر منکم : (۲۴)

از خدا و پیامبر و پیشوایان (معصومتان) اطاعت و پیروی کنید .

از آیات بیشمار قرآن و گفتار پیشوایان دین ، که بخش کوتاهی از آن در ابتدای این فصل آمده به روشنی در می یابیم که تعالیم اسلام ، ویژه زمان و مکان مخصوصی نیست ، بلکه برای همه انسان ها در تمامی روزگاران حامل پیام و رسالت است .

راهی که قرآن نشان می دهد ، نمایشگر راه راست و درستی است ، که کاوشگر راه حق را گزیری نیست جز اینکه آن را بپوید . و بدون محدودیت زمان و مکان پذیرا باشد .

زیرا پیامبر اسلام آمد تا مردم را به وسیله ای آیین پاک قرآن ، به سعادت برساند و از کژی و ناراستی ها برهاند و روح انسانی آنان را زنده کند .

خاصیت زنده کننده و زندگی ساز از دستورات اسلام زدوده نخواهد شد و در همه زمان ها حتی دوران غیبت امام قائم (ع) هم ، زنده بودن انسانی در پرتو قوانین اسلام خواهد بود . این حکم خدا و پیامبر است که جاودانگی آن را تضمین کرده است و عقلا نمیتوان حکم خدا و پیامبر را تغییر داده ومثلا گفته

شود در دوران غیبت امام ما وظیفه نداریم و نباید در راه اصلاح خود و دیگران بکوشیم .

از حقایق بر شمرده بالا ، نتیجه می گیریم که : وظیفه و مسوؤ لیت مسلمانان در زمان غیبت و حضور امام یکی است .

در اینجا به یک وظیفه مهم اجتماعی دیگر نیز اشاره می شود .

نظارات عمومی

یکی از وظایف و دستورات دینی هر فرد مسلمان ، پاسداری دین ، و حفظ حقوق مردم و سلامت و نظم جامعه اسلامی است . این موضوع در متون دینی به نام امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است . در واقع خدا ، به همه مسلمانان از دانشمند – ماءموریت داده است که چونان دیدبانی تیزبین و موشکاف ، نگهبان و مراقب اجرای احکام و حدود اسلامی می باشند ، تا حیات اسلامی همیشه چون خون در قلب و دیگر اعضای جامعه اسلامی جاری باشد .

امر به معروف و نهی از منکر ، تعهد و مسوؤ لیتی است که اسلام به دوش پیروان خود می گذارد ، تا نهال خوبی ها و راستی ها ریشه گیرد ، و باور شود ، و علف های هرزه کژی و ناراستی بخشکد . انجام این رسالت بزرگ ، ضمانت اجرایی بر قوانین دین خواهد بود ، تا از گزند حوادث و دستبرد نااهلان محفوظ بماند . و همین رمز گسترش و پیشرفت اسلام است .

کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد ، و وعده های او را راست می داند ، نباید در راه انجام وظایف دینی سستی کند ، و به خاطر استفاده بیشتر – از لذت

های مادی – با گناه و ظلم بسازد و در برابر آنها بی تفاوت بماند .

در قرآن کریم آمده است : ای مسلمانان ! شما بهترین ملت ها و جمعیت ها هستید ، اگر امر به معروف و نهی از منکر کنید و ایمان به خدا آورید . (۲۵)

امر به معروف و نهی از منکر ، دستورهای فراموش شده دین را ، به یاد می آورد . زیرا انسان ها نیازمند تذکر و یادآوری اند ، و آنها را که به فرمان دین ، پایبند نیستند ، جهت می دهد و آگاهی می بخشد در نتیجه سیر اجتماع به سوی کمال متوقف نمی شود .

اگر امر به معروف و نهی از منکر تعطیل شود ، مردم خوبی ها را فراموش می کنند ، و به بدی ها و پستی ها می گرایند ، از آن بدتر ، خوبی ها ، بد و بدی ها خوب معرفی می شوند . از اینجا است که اجتماع انسانی سقوط خواهد کرد و از آدمیت جز لباس زیبا ، چیزی نخواهد ماند .

امر به معروف و نهی از منکر ، در ردیف دیگر واجب ها ، مثل نماز و روزه نیست ، بلکه نگهبان و پاسدار آنها است . چه آنکه اگر در جامعه ای گناه و ظلم پیدا شد ، از هر سو به گناهکار ظالم حمله می شود و آنها نمی توانند در جو و محیط اسلامی ، حدود و مرزهای اسلام را بشکنند ، و برنامه های آن را زیر پانهند و احساسات پاک مردم را جریحه دار کنند ، این محدودیت ، رفته رفته آنها

را تربیت خواهد کرد تا جایی که به حقیقت رسند ، و یا اگر سنگدلی و گمراهی آنها به اندازه ای قوی باشد که تربیت اصیل و انسان پرور اسلام در آنها کارگر نشود ، لااقل مزاحم ترقی و پیشرفت دیگران نمی توان شد . و این خود ، بزرگترین فائده و توفیق است .

امر به معروف در دو مرحله

دانستیم امر به معروف و نهی از منکر ، وظیفه هر فرد مسلمان است ، و اختصاص به گروه ویژه ای ندارد .

ولی با در نظر گرفتن دیگر آیات قرآن ، معلوم می شود که این دو فریضه بزرگ در دو مرحله باید اجرا شود :

مرحله ابتدایی مرحله عالی :

مرحله ابتدایی : نیاز به تخصص و تبحر ندارد ، . همه پس از دانستن شرایط ساده آن : باید به این وظیفه اقدام کنند . همانطور که خواندن نماز و انجام سایر عبادت ها و وظاءیف ، چنین است . و برای همه در هر درجه و مقامی که باشند : ضروری است . مثلا می دانیم که شراب و قمار در اسلام به شدت ممنوع و حرام است . اگر کسی آلوده به این دو گناه شد ، باید دوستانه به او تذکر داد و از رفتار ناشایست او اظهار ناراحتی و تنفر کرد . و در صورت لزوم ، ترک معاشرت و دوستی نمود .

این کار از عهده همه بر می آید ، و نیاز به دانستن زیانهای الکل بر روی اعضاء بدن ، و تشریح پزشکی آن و ضررهای اقتصادی ، اجتماعی ، روانی قمار ، و بحث های فنی و علمی در این زمینه ها نیست

. و همچنین سخنوری و فن بحث و مناظره نیز نمی خواهد . و یا اگر در ماه رمضان ، روزه خورای را دیدیم ، باید با دلسوزی و بدون هیچ گونه ترسی ، نهی از منکر کنیم . چنین نیست که بگذاریم و بگذریم هیچ مسؤ لیتی نداشته باشیم و بگوییم انشاءالله امام زمان تشریف می آورد و کارها را درست می کند !

البته امام خواهد آمد ، و اصلاح جهانی خواهد کرد ولی از ما هم بازخواست می کند : چرا نهی از منکر نکردی ، مگر قرآن برای تو وظیفه معلوم نکرده بود ؟ مرحله عالی : در این مرحله باید عده ای از مسلمانان که شعله فروزان ایمان و عشق به خدا در سینه هاشان می فروزد ، به سلاح ۹ دین و دانش زمان مجهز شوند تا بتوانند در برابر مخالفین بایستند ، و اشکال ها و مغالطه های آنها را پاسخ گویند .

بدیهی است این گروه ، باید اسلام را آن گونه که هست بشناسند و در متون دین صاحب نظر شوند و از روانشناسی و جامعه شناسی و دانستنی های لازم دیگر ، به طور کافی بهره داشته باشند و دارای گفتاری شیرین و پر شور باشند تا بتوانند مردم را به نیکی و انسانیت دعوت کنند .

امر به معروف و نهی از منکر را ، در مقیاس جهانی وعلمی بگسترانند ، و از عهده بحث با مخالفت و دشمن بر آیند .

این معنی را می توان از آیه دیگر قرآن استفاده کرد : باید از شما ، گروهی در کار دعوت مردم به سوی خوبی ها باشند؛

آنان را به کارهای نیک و شناخته شده فرمان دهند ، و از کارهای زشت و ناپسند بازدارند اینان رستگارند . (۲۶)

همین گروه بایـد بهـترین و مؤ ثرترین راه هـا را برای امر به معروف و نهی از منکر ، بیابنـد و بـا در نظر گرفتن شـرایط زمـان و مکان ، نیازها و مشکلات ، طرح های اساسی و دقیق بریزند تا از نیروی کمتر ، حداکثر استفاده بشود .

و در پایـان به این نکته بایـد توجه کرد که مرحله دوم امر به معروف و نهی از منکر ، نیـاز به یک برنامه واحـد پیش بینی شـده دارد که افراد گـام به گـام وظیفه خود را بداننـد ، و علاـوه در همه جا ، یک روش و نظام به کار رود تا کوششـها یکـدیگر را خنثی نکنند و زودتر به نتیجه برسند .

اینک دریافتیم که واژه انتظار را نمی توان بهانه سستی و خمودی خویش قرار داد ، و وجدان مذهبی خود را با نام آن آرام ، و از کوشش و پیکار در راه دین شانه خالی کرد .

امام صادق (ع) منتظر راستین را همچون پیکار کننده در راه خدا می داند که در خون خویش غوطه ور باشد .

بدیهی است ، آن کس در رکاب امام قائم (ع) پیکار تواند کرد که هر روز در راه پیشرفت اسلام و به ثمر رساندن هدف ها و برنامه های آن ، پیکار و مجاهدت کرده باشد .

والذین جاهدوا فینالنهدینهم سبلنا

پی نوشتها

۱- ملیکه : نوه قیصر روم بوده است .البته به نوه هم دختر گفته می شود. و نیز او تنها شاهزاده نیست .

بلکه از دودمان شمعون - یکی از نمایندگان و جانشینان برجسته ای مسیح - می باشد.

۲- اسقف : واعظ وپیشوای مسیحیان که مقام او از کشیش بالاتر است .

۳- چلیپا: داری که به عقیده مسیحیان ، حضرت عیسی را به آن آویخته اند.

۴- انجیل : کتاب دینی مسیحیان

۵- این خواب را یکی از پیروان امام دهم ، به نام بشر بن سلیمان ، از زبان ملیکه بازگو میکند.کمال الدین صدوق ص ۴۲۹.

۶- برای آگاهی بیشتر به کتابهای مروج الذهب مسعودی ، کامل ابن اثیر، العرب و الروم نوشته فازیلیف ترجمه دکتر شعیره مراجعه شود.

۷-سوره ی شعرا- ۴

۸- فقه و حدیث دو دانش اسلامی است . دانشمند فقه را فقیه و دانشمند حدیث را محدث می گویند.

۹- سوره نساء، ۵۹.

۱۰- مجله آستان قدس .

۱۱- مجله الهلال سال ۳۸ قسمت ۵.

۱۲- تفسیر طنطاوی جلد ۱۷ ص ۲۲۴.

۱۳- نقل و اقتباس از مجله ترجمه مجله ای ابتکار شماره ۱۶۱.

۱۴- سفر تکوین فصل ۵، شماره ۵.

۱۵- سفر تکوین فصل ۹، شماره ۲۹.

۱۶- سفر تکوین فصل ۵، شماره ۲۷.

۱۷- سفر تکوین فصل ۵، شماره ۸.

۱۸- سوره انعام ۱۵۳.

۱۹- سوره نساء۱۷.

۲۰- سوره انفال ۲۴.

۲۱- سوره حشر ۷.

۲۲- امام صادق -ع - بحار چاپ کمپانی ج ۱۱ ص ۱۱۴.

۲۳- سوره احزاب ۳۶.

۲۴- سوره نساء۵۹.

۲۵-سوره آل عمران ۱۱۰.

۲۶- سوره آل عمران - آیه ۱۰۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹